

ارسالی: بابک آزاد

به نقل از : پیام فدایی ، ارگان چریکهای
فدایی خلق ایران

شماره 153 ، اسفند ماه 1390

قتل عام مردم افغانستان، ننگ دیگری بر پیشانی امپریالیسم و ارتجاع!

فاجعه قتل عام ده ها کودک و زن و مرد افغان در منطقه "پنجوایی" استان قندهار توسط نیروهای اشغالگر آمریکایی، یک بار دیگر چهره واقعی و سیاه امپریالیسم و ارتش جنایتکار آمریکا در افغانستان را در مقابل جهانیان به نمایش گذارد و خشم و نفرت عمومی را برانگیخت. بامداد روز یکشنبه 21 اسفند ماه نیروهای آمریکایی از پایگاه ارتش اشغالگر این کشور در منطقه "پنجوایی" خارج شده و در یک جستجوی خانه به خانه با قساوت تمام 16 تن از روستاییان بیگناه افغان شامل 9 کودک و سه زن را قتل عام کرده و اجساد برخی از آنان را با ددمنشی تمام سوزاندند. در جریان این جنایت تعدادی از اهالی زخمی شدند. این خبر خشم و نفرت اهالی محل و تمامی انسان های با وجدان و آزاده جهان را برانگیخت. فرماندهان ضد خلقی ناتو و ارتش اشغالگر آمریکا با دستپاچگی کوشیدند تا با کمک گرفتن از کوشش بی دریغ وسایل ارتباط جمعی دروغ پرداز غرب، این عمل جنایتکارانه را "اقدام فردی" و "جنون آسای" یک گروهیان آمریکایی جلوه دهند که درحالی که "مست" بوده، بدون اطلاع فرماندهانش از پایگاه بیرون رفته و با خونسردی تمام وارد خانه های اهالی شده و پس از کشتن و سوزاندن جسد زنان و کودکان، دوباره به لانه خویش بازگشته و خود را به فرماندهانش "تسلیم" کرده است. اما این دروغ آشکار با خشم و نفرت هر چه گسترده تر اهالی محل روبرو شد که در حالی که با چشمانی اشکبار و اندوهی جانگداز مشغول جمع کردن و انتقال بقایای اجساد برخا سوزانده شده عزیزان شان بودند، به خبرنگاران توضیح دادند که در این جنایت سازماندهی شده، "گروهی" از سربازان مزدور آمریکایی شرکت داشتند.

کشتار زنان و کودکان افغان، تجربه دردناک دیگری است که بر دیگر جنایات ارتش آمریکا در افغانستان اضافه شد، و مسلماً آخرین آن ها هم نخواهد بود. چنین جنایاتی نه به خاطر "جنون" یک گروهیان و "مست" بودن وی بلکه روندی است که درست به دلیل مقاومت مردم رنج دیده و مورد تهاجم

امپریالیستی قرار گرفته افغانستان در مقابل نیروهای اشغالگر تا زمانی که نیروهای آمریکائی و دیگر نیروهای سرکوبگر امپریالیست ها آن کشور را به اشغال خود در آورده اند، مدام بوجود آمده و در آینده هم بوجود خواهد آمد. همین جنایت و جنایت های نظیر آن که مدام رخ می دهد، نشان دهنده آن است که ارتش های امپریالیست ها برغم ادعاهای فریبکارانه شان هر کجا که پا می نهند، همان طور که در این کشور و در عراق ثابت کرده اند، چیزی جز مرگ و نیستی و تشدید چپاول و سرکوب خلق های تحت ستم به ارمغان نخواهند آورد.

در رابطه با جنایت اخیر، بر اساس گزارش روستائیان مورد تهاجم قرار گرفته شده، سربازان آمریکائی، بدون هیچ خطاری وارد سرپناه روستاییان شده به دو زن "تجاوز" کرده و سپس با تیراندازی دیوانه وار، قربانیان خود را به قتل رسانده و سر آخر نیز با اعمال ددمنشی ای مختص دوره بربریت، اجساد برخی از قربانیان را در همان محل به آتش کشیده اند. این جنایت غیر قابل توصیف، مقامات ضد خلقی دولت های امپریالیستی را واداشت تا برای جلوگیری از رسوایی هر چه بیشتر، به صحنه آمده و با فریبکاری تمام سعی در لاپوشانی جنایت تازه سربازان خود کنند. اوباما این عمل را "تراژیک" و "شوکه آور" خواند ولی بلافاصله تاکید کرد که به سربازان آمریکایی و "زحمات" آنان "افتخار" می کند. رهبر جمهوری خواهان در کنگره نیز با خونسردی و شقاوت خاص جنایتکاران این کشتار را یک "حادثه" خواند که در اثر "فشارهای روحی" روی "سربازان" آمریکایی اتفاق افتاده است! واضح است که معنی این توجیحات و قدر دانی از "زحمات" ارتش آمریکا از طرف سران نیروهای جنایتکار در افغانستان جز به معنی اصرار بر تداوم اشغال آن کشور در جهت حفظ منافع آمریکا در افغانستان نیست. کما این که بلافاصله پس از اظهار نظرهای فوق، مقامات دولت های امپریالیستی اشغال کننده افغانستان، یکی پس از دیگری تاکید کرده اند که حادثه جنایتکارانه اخیر سربازان آمریکائی، به هیچ وجه تغییری در موضع دولت های آنان در مورد "جدول زمانی" ترک افغانستان نخواهد داد. چنین موضع گیری ای در شرایطی اتفاق می افتد که نتایج سال ها اشغال و جنگ ضد خلقی در افغانستان روحیه ضد جنگ در افکار عمومی کشورهای که ارتش آن ها در افغانستان مستقر است را بشدت دامن زده است و مسلم است که جنایت اخیر نیز روحیه ضد جنگ و اشغال را فزونی بخشیده است.

از سوی دیگر بدنبال پخش اخبار هولناک این فاجعه، موج نوینی از خشم و نفرت و اعتراض در میان توده های تحت ستم افغانستان بر علیه اشغالگران امپریالیست در این سرزمین

بالا گرفت و حکومت وابسته کرزای و همچنین پارلمان عروسی این کشور نیز در هراس از انفجار خشم مردم افغانستان در هماهنگی با مقامات آمریکایی و نسبت دادن همه آن جنایت به یک "سرباز جانی"، خواستار "محاکمه" او در افغانستان شده اند. اما جالب توجه است که حتی مرکب چنین درخواستی هنوز خشک نشده بود که مقامات آمریکایی گروه‌بان "رابرت بیلز" یعنی فردی که ادعا شد تنها "عامل" کشتار اخیر بود را سریعاً از افغانستان خارج و به همراه خانواده اش به یک پایگاه ارتش، در خاک آمریکا منتقل کردند؛ و به این وسیله با وعده "محاکمه"، وی را از آتش خشم مردم افغانستان دور ساختند. البته همگان می دانند که حتی اگر این فرد به طور علنی و واقعی هم محاکمه شود، تا زمانی که نیروهای امپریالیستی در آن کشور حضور دارند، این محاکمه به معنی عدم تکرار جنایت هائی نظیر آن در افغانستان نخواهد بود. در عین حال، این امر به هیچ وجه از درجه ننگ و رذالت این جنایت و همه قساوت های ارتش اشغالگری که این گروه‌بان 11 سال از عمرش را در عراق و افغانستان صرف خدمت به آن و سرکوب و کشتار مردم بیگناه کرده، کم نخواهد کرد.

علاوه بر کشتار مردم افغانستان در صحنه های جنگ در طول 10 سال اخیر، بنا به گزارشات منتشره در طول این مدت؛ نیروهای اشغالگر حداقل در 200 مورد، نیروهای غیر نظامی و بی دفاع را مورد حمله و قتل قرار داده اند. مسلم است که چنین جنایاتی با مخالفت مردم افغانستان و با عکس العمل های مبارزاتی آنان مواجه است و این تضاد جز با خروج نیروهای امپریالیستی از افغانستان و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت آزادانه و در یک محیط دموکراتیک از طرف خود مردم این دیار حل شدنی نیست. به همین خاطر است که می بینیم هر روز حادثه جنایت بار جدیدی در افغانستان بوجود می آید؛ و می بینیم که بروز چنین جنایاتی و ابعاد حملات و رفتار وحشیانه نیروهای آمریکایی و انگلیسی بر علیه مردم، در ماه های اخیر افزایش قابل ملاحظه ای پیدا کرده است. بطور مثال در اوایل ژانویه، دو سرباز ارتش بریتانیا در یک اقدام رذیلانه و وحشتناک، پس از سوء استفاده جنسی و تجاوز به دو کودک 10 ساله دختر و پسر، از کارهای پست و ننگ آلود خود فیلم برداری کرده و آن را به همقطاران شان نشان دادند. مدتی پس از آن، چند سرباز آمریکایی فیلمی را در یوتیوب به نمایش گذاردند که آن ها را در هنگام ادرار بر روی چند جسد که ادعا شده بود از نیروهای طالبان بوده اند، نشان می داد. در نمونه ای دیگر، سربازان آمریکایی با اقدام به جمع آوری ده ها جلد کتاب قرآن که از زندانیان بازداشتگاه "بگرام" ضبط کرده بودند و سوزاندن آنان، خشم و نفرت مردم محل را برانگیختند. این ا

عتراضات منجر به تظاهرات بر علیه اشغالگران، با شعار "مرگ بر آم
ریکا" شد. در این تظاهرات هم نیروهای جنایتکار به سوی جمعیتی که
تحت عنوان مقابله با توهین به اعتقادات مذهبی شان در مقابل پایگا
ه نظامیان آمریکایی

تظاهرات می کردند، آتش گشوده و بجای مجازات خاطیان، با شلیک گلول
ه های پلاستیکی و واقعی حدود 150 تن از تظاهر کنندگان رازخمی کرد
ند. اینها، تنها چند نمونه از اقدامات جنایتکارانه ارتش
آمریکا در افغانستان است که توسط مطبوعات و افکار عمومی
گزارش شده اند. بنا به گزارشات برخی از فعالین ضد اشغال و
حقوق بشر در افغانستان، جنایاتی نظیر هدف قرار دادن عمدی
نیروهای غیر نظامی در مناطق تحت کنترل ارتش آمریکا، کشتن
کودکان و "شرط بندی" بر سر چگونگی آن، اعمال شکنجه های
وحشیانه بر اسرا در زندان های نیروهای اشغالگر، تجاوز،
"قطع اعضای بدن" و منجمله "انگشتان" قربانیان و رد و بدل
شدن آن در بین سربازان مزدور و جنایاتی هستند که
توسط ارتش اشغالگر آمریکا و متحدینش بطور روزمره بر علیه
مردم محروم افغانستان اتفاق می افتد که تجاوز به زنان
روستایی و کشتار 16 تن از کودکان و زنان و مردان
"پنجوایی" تنها یکی از آخرین این جنایات می باشد.

جنایت اخیر سربازان ارتش آمریکا در افغانستان، بار دیگر
ماهیت جنگ جاری در افغانستان و ادعاهای دروغین توجیه
کننده این اشغالگری وحشیانه را هر چه واضح تر در مقابل
مردم به نمایش می گذارد. هر انسان آزادیخواه و با وجدانی
که نخواهد چشمان خود را بر روی واقعیت ببندد، با مشاهده
جنایات روزمره بر علیه مردم افغانستان و کمی تعمق در مورد
دلایل تداوم این ددمنشی های آشکار، خواهد فهمید که جنگ در
افغانستان و اشغال این کشور و نابود کردن حیات و معاش
توده های رنج دیده افغان بخاطر ادعاهای پوچ "مبارزه با
تروریسم"، "دفاع از حقوق بشر" و "برقراری دموکراسی" و...
در افغانستان نیست. این جنگ و حضور نظامی مستقیم در
افغانستان جدا از پیشبرد خطوط استراتژیک آمریکا و قدرت های
غربی، چرخ های اقتصاد جنگی در کشورهای غربی را می چرخاند
و در شرایط بحران اقتصادی کنونی نه تنها متضمن میلیاردها
دلار سود برای کمپانی های اسلحه سازی و انحصارات نظامی ست
بلکه منافع گسترده سیاسی ای را برای دولت های امپریالیستی
به قیمت قتل و غارت و سرکوب و کشتار خلق های تحت ستم بر
آورده می کند. اشغالگران، مدعی دفاع از حقوق بشر و
دموکراسی و آماده کردن شرایط تحقق آن ها در افغانستان هستند
ولی ماهیت ارتش های اشغالگر در افغانستان و سیاست ها و
عملکردهای دولت های اشغالگر، به روشنی نشان می دهد که آن
ها نیروهای جنایتکار بوده و مظهر برجسته نقض حقوق بدیهی

مردم افغانستان می باشند، نیرو هائی که خود گرداننده دار و دسته های تروریست، و بزرگترین ناقضین دموکراسی در افغانستان هستند. جنگ و نقشه های جنگی ای که در این کشور و سایر نقاط منطقه در جریان است، نه برای آزادی و دموکراسی بلکه برای گسترش و تحکیم سلطه امپریالیستی بر جان و مال و حیات کارگران و خلق های تحت ستم منطقه و به عقب راندن مواضع سایر رقبای غارت گر سازمان دهندگان این جنگ، برپا شده و جریان دارد. چرخ های ماشین چنین جنگ ضد خلقی ای بدون خونریزی و اعمال دائم جنایت و وحشی گری نمی چرخد. آن چه با قتل عام مردم ستمدیده "پنجوایی" قندهار توسط سربازان آمریکایی اتفاق افتاد، تنها یک نمونه در اثبات چنین واقعیتی ست.

امروز، خون ریخته شده کودکان و زنان و مردان به گلوله بسته شده در افغانستان رسوایی عظیمی ست برای تمام مرتجعین و نیروهای وابسته و سازشکارانی که امپریالیسم را "ناجی" مردم تحت ستم و به ارمغان آورنده "دموکراسی" و "حقوق بشر" جا زده و مدل افغانستان و عراق و لیبی را برای کشورهای تحت سلطه دیگر و از جمله ایران پیشنهاد می کنند!! همانهایی که با تکیه بر جنایات رژیم وابسته به امپریالیسم سوریه و یا جمهوری اسلامی، از احتمال حمله امپریالیسم به این کشور ها شاد شده و برای چنین یورش کف می زنند؛ آن ها که عملاً برای این نیروی اهریمنی جاده صاف می کنند، و در راستای پیشبرد سیاست های جنگی امپریالیست ها در آلترناتیو سازی های آن ها شرکت می کنند. همچنین، جنایت های امپریالیسم در افغانستان و اخیراً در قندهار، لکه ننگ دیگری بر پیشانی نیروهایی ست که با توسل به عملکرد های ضد خلقی دار و دسته های ارتجاعی و امپریالیست ساخته ای نظیر طالبان و القاعده و تحت لوای مخالفت با "بنیاد گرایی اسلامی"، از سیاست های ضد خلقی و تجاوزکارانه امپریالیست ها زیر نام تقابل "مدرنیسم" با "ارتجاع" اسلامی، دفاع می کنند، همان ها که شعار "دست امپریالیست ها از افغانستان کوتاه" را به سخره می گیرند و آشکار و پنهان سیاست های جنگی امپریالیست ها را تایید و با لهجه های مختلف، آن ها را ترویج می کنند.

فحایعی که امپریالیست ها هر روزه در افغانستان بار می آورند نه تنها تبلیغات ریاکارانه و دروغین آن ها را افشاء ساخته و امپریالیست ها را هر چه بیشتر رسوا می سازد در همان حال عزم کارگران و خلق های محروم منطقه را برای نابودی دشمنانشان تشدید کرده و جنبش آنان برای کسب آزادی و دموکراسی و محو سلطه امپریالیسم را تقویت خواهد کرد. واقعیت این است که آزادی با سرنیزه سربازان قدرت های امپریالیستی دست نیافتنی است و کارگران و مردم ستمدیده تنها زمانی به

مطالبات خود دست خواهند یافت که خود برخاسته و به قدرت
خود دشمنانشان را نابود سازند.